انجنیر سید مختاردریا
۰۴ مارچ ۲۰۱۹

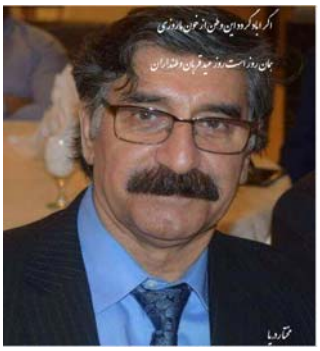

محفل انس

در محفل ما صحبت پیمانه و جام است افسونگر وآن غمزه و خمیازه مدام است
در دامگه شوخ وش و مست و گل اندام کار دل افسردهٔ ما نیز تمام است
آن حلقهٔ چشم سیه و صبح بنا گوش تفسیر ز میعادگه دانه و دام است
آن سنبل خم درخم و افگنده به دوشش پنهانگر مهتاب دل افروز به شام است
خون خورده به دل دانهٔ یاقوت زحسرت چون دید که لعل لب تو بر لب جام است
نرگس زرخش رنگ پریده ست سحر گاه زان چرخش مخمور نگاهت که به جام است
سرو لب چو قامت خم پیش قدومت گردیده چو آن قامت نازت به قیام است
هرکس که رخ چون قمرت دید به خود گفت زاین بعد نگه بر مه نو نیز حرام است
زاهد چو به محراب هوس سر به سجود است تر دامنی اش علت مفکورهٔ خام است
گلریز بود خامهٔ دریا به بهاران تنپوش خیالت به برش اصل مرام است

مختار دریا" ۲۷ اپریل ۲۰۱۷ الاباما امریکا